

سرای سکوت

پیام‌های عارفانه از تذکرة الاولیای عطار

ایرج شهبازی

سرشناسه	: شهبازی، ایرج، ۱۳۵۱ -
عنوان قراردادی	: تذکرة الاولیاء. برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: سرای سکوت: پیام‌های عارفانه از تذکرة الاولیای عطار / ایرج شهبازی.
مشخصات نشر	: تهران: دوستان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۴۲۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۰۷-۶۲-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: عارفان--کلمات قصار
شناسه افزوده	: عطار، محمدین ابراهیم، ۹۵۳۷-۹۶۲۷ق. تذکرة الاولیاء. برگزیده
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۲ س۴ / ۲۸۵/۴ BP
رده‌بندی دی‌ویی	: ۲۹۷/۸۹۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۳۲۷۸۴۹۴



انتشارات دوستان خیابان فخر رازی، پلاک ۳۳؛ تلفن: ۱۶۴۹۲۹۲۲

ایرج شهبازی

سرای سکوت (پیام‌های عارفانه از تذکرة الاولیای عطار)

حروف‌نگاری: طرح و نشر هامون

چاپ اول: ۱۳۹۲

چاپ گلشن

شمارگان: ۱۶۵۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

با همکاری مؤسسه فرهنگی سروش مولانا



تقدیم به استاد فرزانه یگانه
دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

که بزرگترین آموزگار من در حوزه مطالعات
عرفانی بودند و هستند و بی‌گمان هرچه در این
حوزه دارم، نتیجه آموزش‌ها و راهنمایی‌های
ایشان است. امیدوارم که همواره سربلند و
تندرست و شادمان باشند و سایه پربرکت‌شان بر
سرفراز و ادب مهن عزیزمان گسترده باشد.

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۲۵	متن پیام‌های عارفانه
۳۸۳	نمایه نام‌ها
۳۸۵	نمایه بن‌مایه‌ها

پیش‌گفتار

در این پیش‌گفتار کوتاه، به اختصار در مورد چهار موضوع سخن خواهیم گفت: (۱) اهمیت و ضرورت کارهایی از این دست، (۲) روش کار، (۳) معرفی احوال، آثار و اندیشه‌های عطار نیشابوری و (۴) آشنایی با کتاب تذکرة الاولیاء.

(۱) اهمیت و ضرورت کار

تلفن همراه اگرچه اساساً برای ارتباط و اطلاع‌رسانی پدید آمده‌است، اما در کنار این نقش اصلی، کارکردهای هنری، اجتماعی، سیاسی و تفریحی متعددی نیز پیدا کرده‌است و از میان همه امکانات این رسانه، سامانه پیامکی آن در جامعه ایرانی بیش از همه مورد توجه قرار گرفته‌است. امروزه زندگی ما سرشار است از انواع پیامک‌های مناسبی، اخلاقی، سیاسی، طنزآمیز، تبلیغاتی و مانند آنها. بخش عظیمی از وقت و انرژی افراد جامعه ما، به ویژه جوانان، صرف این سامانه می‌شود و متأسفانه غالب پیامک‌هایی که در قالب‌های گوشی‌ها دیده می‌شود، محتوایی پوک و پوچ دارند. اگرچه تخلیه

احساسات و رهایی یافتن از فشار کارهای روزمره و دشواری‌های زندگی در دنیای جدید امری جدی است و به هیچ روی نباید از ارزش آن غفلت ورزید، با این همه به نظر می‌رسد که می‌توان از این ابزار بهره‌های بیشتری برد و از طریق پیامک‌های آموزنده و زیبا به رشد اخلاقی و معنوی خود و دیگران یاری رساند. خوشبختانه متون ادبی و عرفانی ما مالا مال است از جملاتی که جان را سیراب می‌سازند، عقل را خرسند می‌دارند و روان را آرامش می‌بخشند و استخراج و اشباع آنها می‌تواند خدمتی بس ارجمند به افراد حقیقت‌جو باشد.

برای دستیابی به چنین هدفی به مطالعه کتاب مستطاب تذکرة الاولیاء پرداختیم و هر جا که جمله‌ای درخشان و تأمل برانگیز یافتیم، آن را برای ثبت در این مجموعه برگزیدیم، باشد که علاقمندان این جملات را با شوق فراوان بخوانند و از طریق گوشی‌های تلفن همراه خود آنها را گسترش دهند و به این ترتیب سهم خود را در رشد اخلاقی و معنوی جامعه ادا کنند.

۲) روش کار

در انتخاب جملات حتی‌الامکان به متن اصلی وفادار بوده ایم، اما چنانچه در ساختار جمله پیچیدگی غیر معمول یا واژه بسیار مهجوری وجود داشته است، کوشیده‌ایم که ساختاری ساده و یا واژه‌ای آسان را به جای آن بگذاریم، تا خواننده برای لذت بردن از شکل و محتوای جملات با مانعی جدی رو به رو نشود و البته از آنجاکه شماره صفحه هر جمله در زیر آن آمده است، خواننده گرامی می‌تواند با مراجعه به متن، شکل اصلی جملات را ببیند. البته دامنه دخل و تصرف‌ها بسیار محدود است و بیشتر نزدیک به همه جملات عیناً به همان شکل اصلی نقل شده‌اند.

برای اینکه خواننده گرامی در فهم جملات با دشواری کمتری رو به رو شود، معانی واژه‌ها و عبارات دشوار، به شکلی ساده و روان، در پاورقی توضیح داده شده است.

از آنجاکه موضوعات مطرح شده در این جملات بسیار متنوع و رنگارنگ است، نمایه تفصیلی موضوعات در پایان کتاب آورده شده است، تا هرکسی که می‌خواهد در زمینه‌ای خاص پیامکی پیدا کند، یا در مورد موضوع ویژه‌ای به تحقیق بپردازد، از طریق این فهرست به خواسته خود برسد.

در انتخاب جملات این مجموعه به معیارهای زیر توجه داشته‌ایم:

۱. جملات تا آنجاکه ممکن است کوتاه و فشرده باشند و در داخل قابِ گوشی تلفن همراه جا بگیرند.
۲. جملات شامل نکته‌های اخلاقی و عرفانی کاربردی باشند و خوانندگان آنها به تعالی اخلاقی افراد کمک کند. از انتخاب جملاتی که مفاد آنها دست‌نیافتنی باشد یا برای زندگی اجتماعی انسان زمانه ما زبانی در بر داشته باشد پرهیز شده است.
۳. جملات دارای زبانی شیوا، رسا و زیبا باشند و خوانندگان آنها سبب التذاذ هنری خواننده شود.

۳) آشنایی با احوال، آثار و اندیشه‌های عطار نیشابوری^۱

فرید الدین محمد، معروف به عطار نیشابوری، در سال ۵۵۳ در نیشابور به دنیا آمد و در سال ۶۲۷ در همان شهر به دیار باقی شتافت. تخلص شعری او «عطار» است که از شغل عطاری (پزشکی و داروفروشی) او گرفته شده است. عطار که در تصوف و عرفان استادی مسلم و چه بسا صاحب تجربه‌های عملی بوده است، به تصریح خودش در مقدمه تذکرة الاولیاء از دوران کودکی شیفته صوفیان و عارفان بوده و شادی دل و درمان دردِ خویش را در همنشینی با آنان می‌جسته است. سلسله ارادت عطار به سه واسطه، به ابوسعید ابوالخیر می‌رسد.

۱- از آنجاکه نگارنده در مورد زندگی عطار تحقیقات ویژه و نظرات خاصی ندارد، همه مطالب این بخش را از مقاله استاد ارجمند، دکتر تقی پورنامداریان، در کتاب آشنایان ره عشق، صص ۲۶۹ تا ۳۱۰، برگرفته است. اطلاعات کتابشناختی این اثر از این قرار است: - اسفندیار، محمود رضا (۱۳۸۴). آشنایان ره عشق (مجموعه مقالاتی در معرفی شانزده عارف بزرگ)، زیر نظر نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

از میان آثار فراوانی که به عطار نسبت داده‌اند و در برخی از منابع تعداد آنها به صد و چهارده اثر می‌رسد، هفت اثر را می‌توان به صورت قطعی از عطار دانست: دیوان قصاید و غزلیات، مختار نامه (مجموعه رباعیات)، اسرارنامه، الهی‌نامه، منطق‌الطیر، مصیبت‌نامه و تذکره‌الاولیاء. عطار، برخلاف بسیاری از شاعران و نویسندگان، هیچ نوع ارتباطی با دربارها و قدرتمندان عصر خود نداشت و مخاطبان او، چه در شعر و چه در نثر، عامه مردم بودند. از این روست که زبان او در همه آثارش بسیار ساده، روشن و عاری از لغات دشوار، تلمیحات دور از ذهن و آرایه‌های متکلفانه ادبی است. این سادگی زبان و بیان سبب شده است که برخی از استادان ادب، عطار را نویسنده‌ای ناتوان به شمار آورند، حال آنکه اگر به جنبه تعلیمی آثار او و مقاصد مردمی و مخاطبان او توجه داشته باشیم، درمی‌یابیم که انتخاب چنین زبان و بیانی عین بلاغت است. تناسب میان الفاظ از راه تضاد، طباق و مراعات نظیر و گهگاه ایهام و استخدام، آن هم در حد اعتدال، بیشترین آرایه‌هایی است که در شعر او جلب توجه می‌کنند.

مثنوی‌های عطار، بجز اسرارنامه، مریک دارای یک داستان بلند و جامع هستند که حکایات و مطالب متعدد در درون آن مطرح می‌شوند. این مثنوی‌های چهارگانه، گذشته از بیان اندیشه‌های عرفانی، سرشار از حکایت‌های کوتاه و بلندی هستند که با زبانی ساده اندیشه‌های عرفانی را تبیین می‌کنند و آن را به سطح ادراک همگان می‌رسانند. این حکایت‌های کوتاه و بلند که تنوع و گستردگی آنها را تا این حد در کمتر کتابی می‌توان دید، علاوه بر نقش بلاغی و توضیحی، آینه تمام نمای زندگی و عادات و رسوم و ارتباط‌ها و باورداشت‌ها و فرهنگ توده مردم در عصر عطار و تالاندهای دوره‌های پیش و پس از عصر وی است. شخصیت‌های این حکایت‌ها، خواه مرد و زن و کودک از قشرهای مختلف مردم، از عطار و دباغ و کناس گرفته، تا شیخ و صوفی و شاه و وزیر و دیگر مردم در مراتب مختلف اجتماعی، خواه حیوانات و پرندگان و حتی شوریذگان و دیوانگان، طیف وسیعی از اقشار جامعه را دربرگرفته است.

اگر بخواهیم از دریچه عقل فلسفی و تجربه‌های مشترک عمومی به اندیشه‌های عرفانی و جلوه‌های زندگی و سلوک عرفانی و کرامات مشایخ که عطار آنها را از روی اعتقاد بیان کرده است، بنگریم، ممکن است که او را مردی ساده‌دل و عامی تصور کنیم که همه خواننده‌ها و شنیده‌های خود را، اگرچه از مقوله اوهام و خیالات محال باشند، خوشباورانه در آثار خویش گنجانده است. حال آنکه اگر خود را در قلمروی اعتقادی و اجتماعی عصر عطار تصور کنیم و در طیف منظومه فکری او درآییم و حساسیت‌ها و دل‌نگرانی‌های او را دریابیم و تعهد و مسؤولیتی را که او نسبت به انسان عصر خود، از خودگذشتگی تمام، حس می‌کند، بشناسیم، عطار را شخصیتی بزرگ اندیشمند و نگران رستگاری انسان خواهیم دید که دردها و رنج‌های بشری را با تمام وجود خود دریافته و در تسکین و رفع آنها تا سرحد جان کوشیده است.

اندیشه‌های عطار در مثنوی‌های تعلیمی او ترکیبی از زهد و شریعت و عشق و طریقت است. در دو کتاب اسرارنامه و الهی‌نامه بیشتر مفاهیم زهدآمیز و شرعی برجستگی دارد و در مثنوی‌های منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه مفاهیم و تجربه‌های عرفانی زمینه معنایی و اصلی را تشکیل می‌دهد. همین معانی و اندیشه‌هاست که در باب‌های پنجاه‌گانه مختارنامه که مجموعه رباعیات اوست، گرد آمده است. مهم‌ترین مبانی فکری عطار عبارتند از:

الف) بی‌اعتباری دنیا و بی‌قدر شمردن زندگی دنیایی و اصیل دانستن زندگی پس از مرگ: به نظر می‌رسد که عطار هر عمل و اندیشه و سخنی را که توشه‌ای برای آخرت فراهم نیاورد، بیهوده و گناه می‌شمرد به همین سبب هر آرزویی را که روی به این جهان داشته باشد و هر عملی را که در راه خواسته‌های این جهانی صورت گیرد، باطل و بی‌فایده و هر خوشی این جهانی را مستوجب نیشی آن جهانی می‌شمرد. یادکرد مرگ و بی‌اعتباری دنیا و موهوم و مجازی شمردن تعلقات و آرزوهای این جهانی مقدمه پیش‌اندیشی درباره آخرت و زندگی دنیوی را دستمایه جستجوی حقیقت کردن است.

ب) دردِ طلب: قدم گذاشتن در راهِ طریقت مستلزم پدید آمدن دردِ طلب در روح انسان است. چنین دردی انسان را از همهٔ دلبستگی‌ها و اشتغالات دنیوی جدا می‌کند؛ زیرا صاحب درد تمام نیروی مادی و معنوی خود را برای جستجوی درمان تجهیز می‌کند و همه چیز دیگر را به فراموشی می‌سپارد. راه رسیدن به حق پایانی ندارد، پس دردِ طلب را هم درمانی نیست. اما اگر نیک بنگریم، خواهیم دید که درمان آدمی همان دردِ اوست. در این جهان به درمان رسیدن یعنی از طلب بازماندن؛ لذا دردِ حقیقت‌جویی در این جهان درمانی ندارد و بلکه نفسِ درد عینِ درمان است.

ج) عشقِ دردمندانه: از نظر عطار درد نشان اهل عشق است و عشقی که همراه با درد نباشد، عشق نیست. عاشق سراپا درد است و همین درد است که سبب می‌شود عاشق جان در راه مطلوب خود دربارد و تا آنجا که خود را در او فنا کند، پیش برود. عشقِ دردمندانه سبب پالایش انسان از تمام صفات [ناپسند] انسانی می‌شود و در نهایت هر حجابی را از میان خدا و انسان برمی‌اندازد.

د) عشقِ ملامت‌آمیز: زاهد، اگرچه تمام تعلقات را ترک می‌گوید، اما خوشنامی میان خلق و سلامت‌جویی و حفظ ایمان به حجاب میان او و حق تبدیل می‌شود، اما عشقی که به ملامت و رسوایی منجر می‌شود، سبب می‌گردد که آدمی تا اوج بدنای صعود کند و آخرین حجاب میان خویش و حق را از بین ببرد. عشق و ملامت رابطه‌ای ناگسستی با هم دارند. عاشق، از طریق ملامت، از خود و خلق و حتی از معشوق می‌رهد و در راه حق سرِ مویی از او برجا نمی‌ماند. کفر که به ظاهر نتیجهٔ قدم گذاشتن در عشق و ملامت است، از همین چشم‌انداز است که برتر از اسلام مجازی و مرحله‌ای بالاتر از زهد و ایمان شمرده می‌شود. بیان نمادین این خروج از اسلام مجازی و ورود در کفر در آثار عرفانی و به ویژه در آثار عطار به صورت رفتن از مسجد به میخانه و خرابات تصویر شده است. بدنای و ملامت برخاسته از عشق زمینهٔ قطع علایق از ماسوی الله را فراهم می‌آورد. کفر نمونی و ملامت‌جویی که منشأ آن عشق است، عشق را از یک سو با

حُسن می‌پیوندد و از طرف دیگر آن را در مقابل عقل که مصلحت‌جو و سلامت‌طلب است، قرار می‌دهد.

هـ) ستایش زیبایی: زیبایی انگیزهٔ عشق است و عطار هیچ فرصتی را برای وصف زیبایی از دست نمی‌دهد، خواه موضوع این زیبایی زنی پارسا باشد که زیبایی او همه را به طمع می‌اندازد، خواه پسر وزیر که سلطان دل به او می‌بندد و خواه شاهی که گلخن‌تابی شیفته و دیوانهٔ او می‌شود. آن‌اندازه که در شعر عطار بر توصیف حُسن معشوق اصرار می‌شود، در شعر هیچیک از شاعران فارسی دیده نمی‌شود. عطار ابیات فراوانی را به توصیف زیبایی روی و موی و خط و خال معشوق‌های شعر خود اختصاص داده است.

و) نقد عقل فلسفی و عقل جزوی: نقد عقل و ناتوانی آن در معرفت حق و امور مابعدالطبیعی سابقه‌ای کهنی در عرفان اسلامی دارد. عطار نیز در آثار خود به صورتی اغراق‌آمیز به نقد عقل می‌پردازد. عقلی که عطار آن را نکوهش می‌کند، عقلی است که در مقابل دین خاضع نباشد و مدعی حل مسائل مابعدالطبیعه باشد. چنین عقلی راه به حقایق دینی نمی‌برد. تنها عقلی که تابع امر خدا باشد، می‌تواند آدمی را به سوی حقیقت راهنمایی کند. عطار گذشته از آنکه عقل را در برابر دین نقد می‌کند، آن را در برابر عشق نیز می‌گذارد و به نقد آن می‌پردازد. سرمستی حاصل از عشق با غیبت عقل همراه است. عقل ترازوی زرکشی است که نمی‌تواند کوه بی‌نهایت عشق را بسنجد. عطار عقل را در مقام عدل خود نفی نمی‌کند؛ مقام عدل عقل آن است که نه جاهل باشد و نه کامل. عقل کامل انگیزهٔ غرور و تکبر و چون‌وچرا در دین می‌شود و انسان را به کُفر می‌کشاند و عقل جاهل جان را در معرض گمراهی و هلاک قرار می‌دهد؛ پس بهتر است که عقل فرمانبر دین شود.

ز) نکوهش نفسِ اماره و دعوت به تزکیهٔ آن: نفسِ اماره در آثار صوفیه نیروی محرک شهوت و غضب و منشأ تمامی صفاتِ نکوهیدهٔ انسان است؛ به همین سبب غلبه و تسلط بر نفس شرط وصول به محبوب و لزوم

ریاضت‌های دشوار در تصوف است. دیدار با حقیقتِ خویش، فعلیت یافتنِ بُعدِ فرشتگیِ انسان و رستگاری او در گرو مجاهده با نفسِ اماره است.

ح) تجربه دیدار با من ملکوتی خویش: نفس بالقوه هم فرشته است و هم شیطان و انسان می‌تواند به یکی از این دو بُعد فعلیت ببخشد؛ یعنی می‌تواند از طریق ریاضت و مجاهدت با نفسِ اماره، بُعدِ فرشتگیِ خود را فعلیت ببخشد و می‌تواند از راه توجه به نفسِ اماره بُعدِ شیطانیِ خود را به فعلیت درآورد. فعلیتِ بُعدِ فرشتگیِ انسان ارتقای آن به مرتبه نفسِ مطمئنه است که همان روحِ پالوده از کدورتِ دنیا و شایسته بازگشت به حضرتِ الهی است و در افع همین نفسِ مطمئنه یا فعلیتِ فرشتگیِ نفس است که تجربه دیدار با آن تجربه دیدار با معشوقِ آسمانی است که انگیزه تمام ریاضت‌ها و بلاکشی‌های اهل طریق و منتهای آمال سالکان است. عقیده به این «من ملکوتی» که در «من تجربی» پنهان شده است، در کانون اندیشه‌های عطار قرار دارد. راه وصول به این من ملکوتی که همان حقیقت است و دیدار با او دیدار با حق است، از طریق عشق و ریاضت و ملامت ممکن است و به این ترتیب آخرین بندهای من تجربی گسسته می‌شود و آنگاه که سر مویی از آدمی باقی نمی‌ماند، من ملکوتی با حق می‌ماند. انسان آنگاه که از بندِ نفسِ اماره رهایی یابد و به دیدار من راستین خود برسد، متوجه می‌شود که همه چیز خود او بوده است و جهان را از خود بر می‌یابد.

۴) آشنایی اجمالی با کتاب تذکره الاولیاء

از چشم‌اندازی گسترده می‌توان کتب عرفانی را به سه دسته تقسیم کرد: (۱) کتبی که اساساً برای آموزش مبانی و اصول تصوف نگاشته شده‌اند، مانند *اللمع فی التصوف*، *التعرف*، شرح *التعرف* لمذهب *التصوف*، *کشف المحجوب*، *رسالة قشیریه* و نظایر آنها؛ (۲) کتب تذکره و طبقات که برای معرفی صوفیان نوشته شده‌اند، مثل *تذکره الاولیاء*، *طبقات الصوفیه*، *نفحات الانس* و مانند آنها و (۳) کتب مقامات و مناقب، مانند *مقامات ژنده پیل*، *اسرار التوحید*، *سیرت ابن خفیف*، *حالات* و *سخنان ابوسعید ابوالخیر* و مثل آنها. تفاوت اصلی کتب

دسته دوم و سوم آن است که کتب تذکره و طبقات شرح احوال و کرامات تعداد زیادی از صوفیان را در بر می‌گیرند، ولی مقامات‌ها تنها به شرح احوال و کرامات یک نفر می‌پردازند. تذکرة الاولیاء از کتب دسته دوم است و در آن شرح احوال، آثار، اندیشه‌ها و کرامات هفتاد و دو صوفی و عارف مسلمان را می‌توان دید.^۱ طبقات الصوفیه، اثر ابو عبد الرحمن سُلَمی اثری پیشتاز در این زمینه است که بدون تردید کارهای بعدی در این حوزه بر اساس آن بنا شده‌اند. خواجه عبدالله انصاری در جمع یاران خود این اثر را تقریر کرده و مطالب فراوانی بر آن افزوده و آن را به روز کرده است. تقریرات خواجه عبدالله به صورت کتابی درآمده است و به نام طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری معروف است. حلیه الاولیاء، اثر عظیم حافظ ابونعیم اصفهانی، در ده جلد، به زبان عربی، نیز یکی از برترین آثار در این حوزه است و کار عطار از نظر تاریخی بعد از این سه اثر قرار دارد. آخرین حلقه مهم این زنجیره، نفحات الانس حامی است که احوال و آثار عارفانی را که در فاصله زمانی عطار و حامی قرار داشته‌اند نیز در خود دارد. بدون تردید این پنج اثر مهم ترین آثار در حوزه کتب تذکره و طبقات در فرهنگ اسلامی هستند. برتری تذکرة الاولیاء بر چهار اثر دیگر، به ویژه برای ایرانیان، از آن روست که اولاً به زبانی بسیار ساده، شیرین، استوار و دلنشین نوشته شده است، به طوری که می‌توان از بسیاری از صفحات آن مانند

۱- در بخش اصلی تذکرة الاولیاء ترجمه احوال هفتاد و دو عارف مسلمان، از امام جعفر صادق تا حلاج، آمده است، اما تذکره در نسخه‌های بعد از قرن دهم پیوستی دارد که در آن شرح حال بیست و پنج عارف دیگر، از ابراهیم خواص تا امام محمد باقر، آمده است. در مورد اینکه آیا این پیوست نیز کار خود عطار است یا بعد از او کسی دیگر آن را بر اصل کتاب افزوده است، بین محققان اختلاف نظر وجود دارد. نگارنده در این باره تحقیق و نظر خاصی ندارد؛ لذا از اظهار نظر در این باب خودداری می‌کند، اما تأنجا که به کتاب پیامک‌های عارفانه مربوط می‌شود، باید گفت که ما جملاتی را هم که در بخش پیوست تذکره آمده‌اند، در این مجموعه آورده ایم؛ زیرا که برای مقصود ما چندان فرقی ندارد که پیوست تذکره از عطار است یا نه و گذشته از این در مقامات‌های عارفانی که نام آنها در پیوست آمده است، می‌توان این جملها را یافت. ناگفته نماند که مهم ترین عارفی که شرح حال او به تفصیل در پیوست تذکره آمده است و در کتاب پیامک‌های عارفانه نیز سهمی بیشتر از همه دارد، ابوالحسن خرقانی است.

شعرهای بسیار درخشان فارسی لذت برد،^۱ ثانیاً این اثر نه مانند طبقات الصوفیه سلمی خیلی مختصر است و نه مانند حلیه الاولیاء بسیار طولانی و حجیم است، به عبارت دیگر تذکرة الاولیاء از زیاده‌گویی‌های ملال‌آور و کوتاه‌نویسی‌های زیانبار در امان مانده است و می‌توان بدون خستگی و ملال از آن لذت برد و ثالثاً صمیمیت و درد و عشقی که در پشت عبارات آن وجود دارد، با هیچکدام از آثار مشابه قابل مقایسه نیست. مطالعه اجمالی تذکرة الاولیاء نشان می‌دهد که نویسنده آن دردی حقیقی و عشقی راستین در ژرفای جان خود دارد و همین عشق و درد است که وجود خواننده را از گرما و نور سرشار می‌سازد.

البته باید خاطر نشان کرد که منظور از بحث بالا این نیست که عطار در نگارش تذکرة الاولیاء فقط از کتب طبقات و تذکره بهره گرفته است، بدون شک آثار فراوانی که در زمان عطار موجود بوده و بسیاری از آنها امروز دست رفته‌اند، نیز در دسترس او بوده‌اند. از مهم ترین آثار که امروز می‌توان رد پای آنها را در تذکرة الاولیاء به روشنی پی گرفت، ترجمه رساله قشیریه و کشف المحجوب در مورد ذکرند و غیر از اینها عطار از مقامات‌هایی که در مورد عارفان مسلمان نگاشته شده‌اند، نیز بهره‌های فراوان برده است. اگرچه اطلاعاتی که عطار برای عارفان می‌آورد، یکدست و متوازن نیست، باینحال می‌توان طرحی نسبتاً ثابت را در غالب بخش‌های تذکره الاولیاء پیدا کرد. این طرح شامل شش بخش است و آن را تقریباً به همین ترتیب که ذکر می‌شود، در بخش اعظم تذکره الاولیاء می‌توان دید:

یک) عبارات آهنگین آغاز هر بخش: عطار در آغاز هر یک از بخش‌های تذکرة الاولیاء با عباراتی آهنگین و زیبا، و گاه متکلفانه، به معرفی عارف مورد نظر می‌پردازد و آخرین عبارت با نام آن عارف دارای نوعی سجع است. اگرچه به نظر می‌رسد که این عبارات مسجع و آهنگین صرفاً شامل

۱- استاد ارجمند، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، در کلاس درس «متون عرفانی»، در دانشگاه تهران، فرمودند: «از هر صفحه تذکرة الاولیاء می‌توان مانند یک غزل درخشان و عالی لذت برد» و گمان می‌کنم که هرکسی که با ظرایف و دقایق زبان فارسی آشنا باشد و با ذهنی باز و آزاد تذکرة الاولیاء را خوانده و با آن انس داشته باشد، حتماً نظر استاد شفیعی کدکنی را تأیید می‌کند.

چند صفتِ اغراق آمیزند که بیشتر جنبهٔ عاطفی و هنری دارند، بالینحال بعد از دقت در احوال و افکار عارف مورد نظر می‌توان دریافت که این تنسیق الصفات‌ها غالباً بسیار آگاهانه انتخاب شده‌اند و مهم‌ترین اندیشه‌ها و ویژگی‌های آن عارف را آیینگی می‌کنند و نقاط مرکزی اندیشهٔ عرفانی او را، لاقلاً از نگاهِ عطار، نشان می‌دهند.

دو) احوال و آثار: پس از ذکر نام عارف مورد نظر، اطلاعاتی پراکنده در مورد مهم‌ترین سوانح زندگی او می‌آید. در این بخش می‌توان آگاهی‌هایی را در مورد پدر و مادر، تولدِ ظاهری، تولد دوباره، استادان عرفانی و غیر عرفانی، مسافرت‌ها، آثار، دوستان و مریدان آن عارف و مسائلی از این دست دید. اگرچه این اطلاعات گاه دارای اسناد تاریخی هستند، بالینحال در همین بخش هم عاطفه و شور و هیجان بر تحقیق و تدقیق غلبه دارد.

سه) حکایات و قصه‌ها: پس از بخش قبلی، حکایاتی در مورد صوفی صاحب ترجمه می‌آید. این بخش شاید مهم‌ترین بخش کتاب باشد و بیشترین صفحات کتاب را به خود اختصاص داده است. مهم‌ترین ویژگی این حکایات اشتغال آنها بر کرامات و حرق عادت‌هاست. عطار کمتر حکایاتی را از میراث یک عارف انتخاب می‌کند که در آن امری شگفت‌آور و کرامت‌آمیز نباشد. گاهی این کرامت‌ها چندان اغراق‌آمیز و غیر عقلانی هستند که به شدت باعث آزرده‌گی خاطر خواننده، موشمند و روشنفکر می‌شوند و غالب کسانی که به مخالفت با تذکرة الاولیاء پرداخته و آن را مروج خرافات و موهومات دانسته‌اند، استدلالشان بر مطالب این بخش استوار است. حکایت‌های این بخش طوری انتخاب شده‌اند که با سبب شیفته‌گی شدید مخاطب به کتاب می‌شوند و یا او را به کلی از آن متفر و گریزان می‌سازند. نگارنده نیز در دوران نوجوانی که این کتاب را می‌خواند، از ستایشگران پرشور آن بود و بعدها بر اثر دغدغه‌های اجتماعی و تاریخی خود به صف منتقدان آن پیوست و اکنون در دورهٔ میانسالی خود که با روش تحقیق علمی آشنا شده و مطالعات بیشتری در تصوف و عرفان اسلامی داشته است، نگاهی متعادل تر به این بخش کتاب دارد. به نظر

می‌رسد که این حکایات سرشار از کرامت و خرق عادت نکته‌های بسیار مهمی در مورد عارف مورد نظر، مشرب عرفانی او، جامعه ایرانی و فرهنگ اسلامی به دست می‌دهند و اگر بتوانیم در هنگام مطالعه کتاب خویشتن‌داری کنیم و به ژرف‌اندیشی در آن بپردازیم، خواهیم دید که همین کرامات اغراق‌آمیز نیز ملامت از درس‌های عرفانی، اخلاقی و دینی هستند و می‌توان از آنها به عنوان داده‌هایی عالی برای تحقیقات مردم‌شناسانه، روان‌شناسانه، جامعه‌شناسانه، تاریخی، زبان‌شناسانه و مانند آنها بهره گرفت. گذشته از اینها هیچ حکایتی در تذکرة الاولیاء نیست که در متون پیش از عطار، به ویژه در مقامات‌های عارفان نتوان ریشه‌های آنها را پیدا کرد. فرق این حکایات در تذکرة الاولیاء و سایر متون یکی در زیبایی و سادگی شکوهمند نثر عطار است و دیگری در شور عرفانی و خلوص ایمانی عطار و همین دو ویژگی سبب تأثیرگذاری بیش از حد این حکایات در تذکرة الاولیاء شده است، به طوری که خواننده را در حالت میانه رها نمی‌کنند: یا او را شیفته خود می‌سازند و با او را به کلی از خود متفر می‌کنند.

چهار) سخنان و اندیشه‌ها: پس از حکایات و کرامات، پاره‌ای از مهم‌ترین سخنان عارف مورد نظر نقل می‌شود. این بخش ممکن است برای خواننده مبتدی بسیار خسته‌کننده و ملال‌آور باشد، ولی برای کسانی که در پی مرواریدهای اندیشه و حکمت‌اند، این بخش از ارزش بسیار فراوانی برخوردار است. کمتر صفحه‌ای از این بخش را می‌توان یافت که عقل خواننده جستجوگر را عمیقاً به خود مشغول نسازد و ساعت‌ها او را به ژرفای دریای تأمل و اندیشه نکشاند. سخنانی که از هر عارف در این بخش نقل می‌شوند، چنان دقیق و هوشمندانه انتخاب شده‌اند که با دقت در آنها می‌توان مهم‌ترین مبانی فکری آن عارف را در مورد خدا، انسان، جهان، عرفان، جامعه، دین، معرفت، اخلاق و مانند آنها به دست آورد. دقت در آن عبارات آهنگین آغازین و آن حکایات کرامت‌آمیز و این سخنان قابل تأمل، نوعی هماهنگی شگفت‌آور را در تذکرة الاولیاء نشان می‌دهد. عطار با اتکا به منابع فراوانی که در دسترس داشته و نیز بر اثر احاطه و اشرافی که بر

متون عرفانی داشته است، حکایات و اقوال را طوری انتخاب کرده است که از خلال آنها می‌توان به اصول فکری و مبانی عرفانی عارف مورد نظر دست یافت.

پنج) داستان مرگ: در ادامه طرحی که عطار برای تذکرة الاولیاء در نظر گرفته است، به بخش مربوط به مرگ عارف مورد نظر می‌رسیم. در این بخش سخنان و حکایاتی درمورد مرگ آن عارف نقل می‌شود. آگاهی‌هایی که درمورد مرگ هریک از عارفان می‌آید، گاهی از نظر تاریخی قابل استنادند و گاهی هم صرفاً از مقوله حکایات آمیخته با کرامات‌اند.

شش) زندگی بعد از مرگ: معمولاً بعد از اینکه به مرگ یک عارف اشاره می‌شود، درمورد وضعیت او پس از مرگ و نحوه رویارویی او با منکر و نکیر و وضعیت او در برزخ یا بهشت نیز جملات و حکایاتی می‌آید و معلوم می‌شود که او در زندگی پس از مرگش چه جایگاهی دارد. گاهی هم در این بخش به حکایاتی درمورد کرامات آن عارف پس از مرگ اشاره می‌شود.

با اینکه تحقیقات فراوانی راجع به تذکرة الاولیاء انجام شده است و ترجمه‌های زیادی از آن به زبان‌های گوناگون دنیا وجود دارد، با اینحال هنوز هم می‌توان کارهای فراوانی را بر اساس این کتاب انجام داد. آنچه که در کتاب حاضر می‌بینید، برخی از زیباترین جملات موجود در تذکرة الاولیاء^۱ است. جملات این مجموعه آنقدر عمیق، زیبا و آموزنده‌اند که باور داریم جان خواننده گرامی را از روشنی و آرامش و اندیشه سرشار خواهند کرد و بارها آب در دیدگان او خواهند آورد. بهتر است که بیش از این بین او و آن همه لذت‌ها که در انتظار اوست، فاصله نیندازیم و او را با این مرواریدهای آبدار تنها بگذاریم.

ستایش از آن پروردگار جهانان است

ایرج شهبازی

۱- اطلاعات کتابشناختی کتابی که مجموعه حاضر بر اساس آن فراهم آمده است، از این قرار است: عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۷۲). تذکرة الاولیاء. بررسی، تصحیح متن، توضیحات و فهرس: محمد استعلامی. تهران: زوآر.